

گونه‌شناسی کلام شیعه در بستر تاریخ

سیدلطف‌الله جلالی^۱

چکیده

دانش کلام از دانش‌های مهم اسلامی است که با استفاده از روش‌های گوناگون، به استنباط، تبیین و دفاع از عقاید دینی می‌پردازد. این دانش که در قرآن کریم و سخنان پیامبر خاتم ریشه دارد، در طول تاریخ حیات فکری اسلامی تحولات بسیاری به خود دیده و دانشمندان و آثار بسیاری در آن ظهور یافته است. این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی، به گونه‌شناسی دانش کلام و تحولات تاریخی آن در شیعه پرداخته و گونه‌های مختلف کلام رایج در میان دانشمندان شیعه را شناسایی کرده و مهم‌ترین دانشمندان طرفدار هر یک از این گونه‌ها و نیز آثار آنان را به اختصار معرفی کرده است. حاصل این تحقیق این است که دانش کلام در میان دانشمندان شیعه، دانشی پویا و همواره زنده بوده و همین امر باعث شده است که بسته به نیازهای هر زمان و با استفاده از رشد و تحول علم در جهان اسلام و جهان اطراف، دانشمندان شیعه شکل‌ها، گرایش‌ها و رویکردهای متفاوتی را به کار بسته یا ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش، هشت گونه و رویکرد کلامی در طول تاریخ در شیعه شناسایی شده که عبارتند از: کلامی نقلی - حدیثی، کلام عقلی - تأویلی متأثر از معتزله، کلام عقلی - نقلی انتقادی، کلام عقلی - فلسفی متأثر از حکمت مشاء، کلام عقلی - عرفانی، کلام عقلی فلسفی متأثر از حکمت متعالیه، کلام سلبی - تنزیهی و کلام مقارن و بین‌الادیانی.

کلیدواژه‌ها: علم کلام، گونه‌شناسی کلام شیعه، عالمان شیعه، گرایش‌های کلامی، رویکردهای کلامی

۱. استاد همکار مجتمع آموزش علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، هلمند، افغانستان. ایمیل: sl.jalali@yahoo.com

۱. درآمد

کلام از مهم‌ترین دانش‌های اسلامی و از نخستین علمی است که مسلمانان با بهره‌گیری از قرآن، سنت و استدلال‌های عقلی به آن پرداخته‌اند. موضوع علم کلام، باورهای اعتقادی است که در رأس آن، توحید قرار دارد و به همین جهت، دانش کلام را «علم اصول دین» و «علم توحید» نیز می‌نامند. کلام علمی است که «با استفاده از روش عقلی و نقلی، به استنباط، تبیین و دفاع از عقاید دینی می‌پردازد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۸ و ۱۳) درباره نام‌گذاری علم کلام به این نام وجوه بسیاری گفته شده است که به نظر می‌رسد، مهم‌ترین وجه این است که علم کلام، متکلم را به سخن گفتن و اظهار نظر در مسائل اعتقادی و پاسخ‌گویی به شبهات، توانمند می‌سازد. بنابراین، کلام در میان دانش‌ها و علوم، جایگاهی برجسته دارد.

از سویی دیگر، باید توجه داشت که شیعه، مذهبی است که اصالتاً ماهیت و هویت کلامی و اعتقادی دارد و آنچه باعث تمایز شیعه از غیر شیعه می‌شود، باورهای اعتقادی شیعیان به‌ویژه در مسئله امامت و رهبری دینی است. از این رو، علم کلام در شیعه اهمیتی ویژه دارد؛ چنان‌که ائمه اهل بیت^(ع): نیز در مسائل کلامی بر دیگران تقدم داشته‌اند. برای نمونه، سخنان امام علی^(ع) در نهج البلاغه در مباحث خداشناسی، نبوت‌شناسی، معادشناسی و امام‌شناسی، بر سخنان همه دیگر ارباب و اصحاب کلام مقدم است. نهج البلاغه امیرالمؤمنین^(ع) در دیدگاه همه شیعیان، جایگاهی ویژه دارد و می‌توان آن را پس از قرآن کریم، مهم‌ترین منبع فکر شیعه به حساب آورد. محور مباحث این کتاب توحید است و غالب خطبه‌های آن حضرت، با معارف نغز توحیدی آغاز می‌شود و تصویری که آن حضرت از شناخت خداوند متعال ارائه می‌دهد، بر بالاترین درجه توحید و تنزیه خداوند متعال دلالت دارد. (ر.ک. صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۱۲۳-۱۳۱). جالب‌تر آنکه اهمیت توحید در نظر امیرالمؤمنین^(ع) آن‌چنان سترگ است که حتی در وصیت خود به فرزندش، مسئله توحید را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید:

پسرم! بدان که اگر برای پروردگارت شریکی بود، پیامبران آن شریک به سویت



می‌آمدند و آثار مُلک و سلطنت او را دیده و به افعال و صفاتش آشنا می‌شدی؛ اما او خدایی یگانه است. همان‌گونه که خود را وصف نموده، کسی در حکمرانی‌اش با او ضدیت نمی‌کند، هرگز از بین نمی‌رود و همیشه وجود داشته، اول است پیش از همه اشیا و او را اولیتی نیست و آخر است بعد از همه اشیا و او را نهایی نیست. او بزرگ‌تر از آن است که ربوبیتش به احاطهٔ دل و دیده ثابت شود.^۱

هم‌چنین پس از امیرالمؤمنین^(ع) دیگر امامان اهل بیت به‌ویژه امام باقر، امام صادق و امام رضا^(ع) در تبیین و تشریح مسائل اعتقادی و دفاع از عقاید اسلامی، همواره پیشگام بودند. (ر.ک کلینی، ۱۳۶۷، ۱: ۷۲-۷۸)

دفاعیه‌پردازانه علم کلام از یک‌سو و با عنایت به در اقلیت و مورد هجوم بودن شیعه از جانب مخالفان از سویی دیگر، دانشمندان شیعه، هم در دوران حضور امامان و هم در دوران غیبت، همواره خود را برای دفاع از مذهب و معرفی آن به دیگران مهیا می‌کردند. ازین‌رو بسیاری از اصحاب امامان نیز در مسائل کلامی صاحب نظر و اثر بودند و آثار بسیاری را در مباحث مختلف کلامی نگاشته بودند. حتی محدثان و فقیهان شیعه نیز بُن‌مایه‌ای از دانش کلام داشته‌اند. نگاهی به کتاب‌هایی چون فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی، نشان می‌دهد که در میان اصحاب امامان، متکلمان بسیاری یافت می‌شدند و بسیاری از اصحاب امامان، در این علم کتاب‌هایی نگاشته بودند که از آن جمله می‌توان به کتاب البداء، کتاب الرد علی الغلاة و کتاب الامامة یونس بن عبدالرحمن اشاره کرد. (برای آگاهی از فهرست کامل آثار وی، ر.ک. طوسی، ۱۴۳۵: ۲۶۶؛ نجاشی، ۱۴۳۶: ۴۴۷-۴۴۸) چنان‌که برخی از آثار مربوط به عصر امامان، مانند کتاب الايضاح فی الرد علی سائر الفرق اثر فضل بن شاذان نیشابوری، تاکنون باقی مانده است.

پس از عصر غیبت، دانشمندان شیعه به دانش کلام نیاز بیشتری احساس کردند و این دانش در میان شیعیان رشد گسترده‌ای یافت؛ متکلمان برجسته‌ای ظهور کردند و

۱. «وَأَعْلَمُ بِأُنْبَى أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَيْتَكَ سُؤْلَهُ وَلَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَا يَضَاهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ وَ لَا يَزُولُ أَبَدًا وَ لَمْ يَزَلْ. أَوَّلَ قَبْلِ الْأَشْيَاءِ بِإِلَهِ الْأُولِيَّةِ وَ آخِرَ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بِإِلَهِ نَهَائِيَّةِ. عَظُمَ عَنْهُ أَنْ تُثَبِّتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحْاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

آثار بسیاری را پدید آوردند. در عصر غیبت، مکاتب و رویکردهای مختلف کلامی در شیعه به وجود آمد که هدف نهایی همه آنها تبیین اندیشه‌های کلامی و دفاع از باورها و اعتقادات مذهبی بود. به تعبیر دیگر، بسیاری از کسانی که از نزدیک با دانش کلام سروکار ندارند، تصور می‌کنند کلام یک دانش بسیط است که تنها یک شکل دارد که آن هم کلام عقلی تأویلی است که با دانشمندانی چون واصل بن عطا، نظام، حاجظ، زمخشری در معتزله، ابوالحسن اشعری، قاضی ابوبکر باقلانی، ابوحامد غزالی، ابن فورک اصفهانی، فخرالدین رازی، قاضی عضدالدین ایجی، سعدالدین تفتازانی و میرشریف جرجانی در اشاعره، ابومنصور ماتریدی، ابوليث سمرقندی، ابوالیسر پزدوی، ابومعین نسفی، ابوالبرکات نسفی و کمال‌الدین بیاضی در حنفیه ماتریدیه و شیخ ابن قبه رازی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی و ابن میثم بحرانی در شیعه پی گرفته شده است؛ اما این تصویر، کاملاً ناقص است و دانش کلام، در مذاهب گوناگون اسلامی، شکل‌ها و انواع گوناگونی دارد که هدف و رویکرد کلی همه آنها مشترک است که به استنباط، تبیین و دفاع از عقاید و باورهای دینی می‌پردازد؛ اما در پاره‌ای از تفصیل جزئی و رویکردها و روش‌های خاص، متفاوت از یکدیگرند که در ادامه به این تفاوت‌ها اشاره خواهد شد.

باید توجه داشت که در عصر غیبت، با رشد چشمگیر جمعیت و جغرافیای شیعه از یک سو و ظهور متکلمان برجسته و آثار بسیار در شیعه از دیگر سو، دانش کلام پیشرفت بسیاری کرد که در این مختصر، حتی نمی‌توان تنها فهرستی از متکلمان و آثار کلامی شیعه را ارائه کرد؛ اما باید این نکته را خاطر نشان ساخت که با توجه به پویایی دانش کلام در شیعه، بر اساس نیازهای علمی عصرهای مختلف، در عصرهای مختلف، شکل‌ها و گونه‌های گوناگونی در عرصه اندیشه کلامی ظهور کرده است که برخی از آنها به قرون نخستین اسلامی، برخی به قرون میانه و برخی نیز به قرون متأخر مربوطند. شناخت این گونه‌های متفاوت کلام شیعه، به فهم بهتر و دقیق‌تر این دانش و شناخت شخصیت‌ها و آثار مربوط به هر کدام از این گونه‌ها مدد خواهد رساند و در عین حال، بررسی آنها در بستر تاریخ، باعث می‌شود که درک عمیق‌تری



از پویای این دانش در میان دانشمندان شیعه از یکسو و فهم جریان‌های و تحولات فکری کلی در جهان اسلام از دیگر، به دست آوریم. بر این اساس، در این مجال، به اختصار، مهم‌ترین گونه‌ها، مکتب‌ها، رویکردها و نگرش‌ها در عرصه کلام شیعی را بررسی می‌کنیم؛ اما با توجه به این بحث، بسیار درازدامنه است و مجال گسترده می‌طلبد، در این مجال، فهرست‌وار این رویکردها را ذکر کرده و تنها به نمایندگانی از هریک از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۲. کلام نقلی - حدیثی

یکی از اصلی‌ترین شکل‌های کلامی شیعه که در عصر حضور امامان: ریشه دارد و در عصر غیبت تاکنون ادامه یافته است، کلام نقلی - حدیثی است که می‌کوشد با بهره‌گیری از ادله نقلی شامل آیات و به‌ویژه احادیث و روایات، به شکل‌های مختلف، به تبیین مسائل مختلف کلامی پردازد. در این نگرش، خصوصیات اصلی دانش کلام که در پی استنباط، تبیین و دفاع از عقاید دینی است، محفوظ است؛ اما متکلم می‌کوشد تا بدون ورود به استدلال‌های عقلی، تنها با اتکا به نقل و آیات و روایات، به اهداف کلامی دست یابد. این دیدگاه هم در عصر حضور ائمه: و هم در عصر غیبت نمایندگان بسیاری در همه حوزه‌های علمی شیعه داشته است. در این مجال، برای نمونه، از هرکدام از مهم‌ترین حوزه‌های علمی در این دوره، یک دانشمند یا چند دانشمند معدود را به همراه برخی از آثار کلامی آنان با رویکرد حدیثی ذکر می‌کنیم:

۱. حوزه علمی قم در دوره اول: شیخ صدوق و آثار کلامی نقلی - حدیثی بسیار، از جمله التوحید، الاعتقادات و کمال الدین؛

۲. حوزه بغداد: ابن‌ابی‌زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، صاحب کتاب الغیبة؛

۳. حوزه ری: علی بن محمد خزاز قمی، صاحب کتاب کفایة الاثر فی النصوص علی النصوص علی الائمة الاثنی عشر؛

۴. حوزه خراسان قدیم: فضل بن شاذان نیشابوری، صاحب الايضاح فی الرد علی سائر الفرق؛

۵. حوزة ماوراءالنهر: محمد بن مسعود عیاشی، صاحب آثار کلامی بسیار، مانند کتاب التوحید والصفة، صفة الجنة والنار، کتاب الرجعة، کتاب الایمان، کتاب البداء، کتاب البشارات، کتاب اثبات إمامة علی بن الحسین علیه السلام و کتاب دلائل الائمة؛
۶. حوزة حله: سید بن طاووس، صاحب آثار کلامی فراوان، از جمله الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، الیقین باختصاص مولانا علی بأمرة المؤمنین و کشف المحجبة.
۷. حوزة بحرین قدیم: در حوزة علمی بحرین، دانشمندان بسیاری هم پیش از قرن دهم و هم پس از آن، به این گرایش کلامی تعلق داشتند که از دانشمندان قرن دهم به این سو، می توان به سید نعمت الله جزایری و سید هاشم بحرانی اشاره کرد که آثار بسیاری در حوزة کلام نقلی، پدید آورده اند. انیس الوحید فی شرح التوحید و الانوار النعمانیة: معرفة منشأة الانسانية از جزایری و معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولى و الاخری، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، الانصاف فی النص علی الائمة الاثنی عشر و مدينة المعاجز از بحرانی از مهم ترین آثار کلام نقلی این دو دانشمند است. چنانکه الاربعین حدیث فی الامامة من طرق العامة از سلیمان بن عبدالله بن علی ماحوزی سترای بحرانی نیز به این رویکرد تعلق دارد.
۸. در حوزة علمی نجف در دوره دوم و سوم، محقق کرکی و کتاب نفحات اللاهوت او، شیخ ابراهیم قطیفی و کتاب های کلامی چون شرح اسماء الله الحسنی و الفرقة الناجية او و مقدس اردبیلی با آثار کلامی چون استیناس المعنویة و بحر المناقب، این جهت گیری را داشتند، هر چند که شخصیت اخیر، در کلام عقلی- فلسفی که در ادامه از آن بحث خواهد شد، نیز دستی داشته و آثاری چون حاشیه بر شرح تجرید و رساله اثبات الواجب را نگاشته است. چنانکه سید عبدالله شبر با آثاری چون الحق الیقین فی معرفة اصول الدین، البلاغ المبین فی اصول الدین و البرهان المبین فی فتح ابواب علوم الائمة المعصومین و علامه عبدالحسین امینی با آثار مهمی چون الغدیر و المقاصد العلیة فی المطالب السنیة از نمایندگان این گرایش کلامی به حساب می آیند.
۹. در حوزة علمی اصفهان، گرایش کلام نقلی جایگاه مهمی داشته و دانشمندان



بسیاری، به‌ویژه اخباریان، به این گرایش تعلق داشته و آثار بسیاری در حوزه کلام نقلی - حدیثی پدید آورده‌اند که محض نمونه می‌توان به فیض کاشانی با آثار کلامی چون اصول العقائد، علم الیقین، المعارف، الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین و بشارة الشیعة و محمدباقر مجلسی با آثاری کلامی - حدیثی چون حق الیقین و رساله فی الاعتقادات اشاره کرد.

۱۰. در حوزه علمی لکنهو و به‌طور کلی در حوزه هند، نیز گرایش کلام نقلی حدیثی، بسیار نیرومند بوده و دانشمندان بسیاری در این عرصه ظهور یافته و آثار پرشماری نگاشته‌اند که از آن جمله می‌توان از قاضی نورالله شوشتری با آثار بسیار، از جمله احقاق الحق و ازهاق الباطل، الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، مصائب النواصب و دلائل الشیعة فی الامامة؛ سیددلداری علی نقوی غفران‌مآب با آثاری چون مرآة العقول فی علم الاصول (عماد الاسلام فی علم الکلام)؛ ذوالفقار و الصوارم الالهیة فی قطع شبهات عابد العزى واللات؛ سیدمحمد سلطان العلماء نقوی لکنهوی با آثاری چون ثمره الخلافة، طعن الرماح و صمصام القاطع و سیدحامد حسین موسوی لکنهوی با آثار کلامی بسیار، به‌ویژه عبقات الانوار فی امامة ائمة الاطهار نام برد.

۱۱. در حوزه علمی مشهد در خراسان متأخر نیز گرایش کلام نقلی حدیثی، بسیار پررونق بوده و دانشمندان برجسته‌ای چون محمد بن حسن حر عاملی با آثاری چون اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة و کتاب فی تنزیه المعصوم عن السهو و النسیان؛ میرزا مهدی اصفهانی با آثار بسیاری چون رساله فی البداء، رساله اعجاز القرآن، صوارم العقلية (در ردّ شیخیه) و جبر و تفویض و حسنعلی مروارید با کتاب تنبیهات حول المبدأ و المعاد در حوزه علمی مشهد، به این گرایش کلامی تعلق داشته‌اند. چنانکه هم‌اکنون مهم‌ترین گرایش کلامی حوزه علمی مشهد، مکتب معارفی خراسان یا همان مکتب تفکیک است که عمدتاً از کلام نقلی تبعیت می‌کنند.

۱۲. در حوزه علمی جبل عامل در دوره اخیر نیز دانشمندان برجسته‌ای به گرایش کلام نقلی - حدیثی تعلق داشته و آثار بسیاری در این زمینه پدید آورده‌اند. محض نمونه،

می‌توان از سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی با آثاری چون کلمة الغراء فی تفضیل الزهراء (س) و کلمة حول الرؤیة و سیدجعفر مرتضی عاملی، با آثاری چون الامام علی و النبی یوشع علیهما السلام، اهل البیت فی آیة التطهیر، بحث حول الشفاعة، طریق الحق، عصمة الملائكة بین فطرس ... و هاروت و ماروت و لست بفوق أن أخطیء من کلام علی علیه السلام اشاره کرد.

۱۳. در حوزه علمی قم اخیر نیز کلام نقلی - حدیثی، بسیار برجسته است و دانشمندان و آثار بسیاری در این زمینه ظهور کرده‌اند که محض نمونه می‌توان از دانشمندانی چون سید مرتضی عسکری با آثاری چون عدالة الصحابة، عقائد الاسلام من القرآن الکریم، قیام الائمة باحیاء السنة و معالم المدرستین، لطف‌الله صافی گلپایگانی با آثاری چون منتخب الاثر فی الحجة الثانی عشر، سید محمود موسوی دهرسخی اصفهانی با آثاری همچون معجم الملاحم والفتن و سید عبدالعزیز طباطبایی با آثاری چون قبسات من فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و المهدي علیه السلام فی السنة النبویة یاد کرد.

۳. کلام عقلی - تأویلی متأثر از معتزله

یکی دیگر از گونه‌های مهم کلامی شیعه، کلام عقلی - تأویلی متأثر از معتزله است که شخصیت‌های بارز آن را دانشمندان خاندان نوبختی و نیز دانشمندان شیعه با پیشینه معتزلی، تشکیل می‌دادند. این گونه از کلام در شیعه از غیبت صغرا آغاز شد و در سده نخست غیبت کبرا نیز در اوج بود و پس از آن، با شکل‌گیری کلام عقلی - نقلی انتقادی که در ادامه بحث خواهد شد، به سرعت از میان رفت. ویژگی بارز این گونه از کلام عقلی در شیعه، اولاً تمرکز بر ردیه‌نویسی و شکل مناظره‌ای آن و ثانیاً رنگ و بوی معتزلی مباحث و توجه به مسائل و قواعد خاص معتزلی، نظیر قاعده لطف بود. برخی از دانشمندان برجسته این رویکرد کلامی عبارت‌اند از:

۱. ابوسهل نوبختی، صاحب آثاری چون کتاب الاستیفاء فی الإمامة، کتاب الرد علی اليهود، کتاب الرد علی الواقفة، کتاب الرد علی الغلاة؛
۲. ابومحمد نوبختی، صاحب آثاری چون کتاب الرد علی أصحاب التناسخ و الغلاة،



کتاب التوحید و حدوث العالم، کتاب نقض کتاب ابی عیسی فی الغریب المشرقی، کتاب الجامع فی الإمامة، کتاب الرد علی ابی الهذیل العلاف و کتاب الرد علی الواقفة؛

۳. ابن قبه رازی، صاحب آثاری چون الانصاف فی الامامة، المستثبت فی الامامة، نقض الاشهاد ابوزید علوی، الرد علی ابی علی الجبائی و المسألة المفردة فی الامامة.

۴. کلام عقلی - نقلی انتقادی

رویگرد سوم کلامی که در میانه دورویکرد پیشین قرار دارد، مربوط به متکلمان برجسته‌ای چون شیخ مفید و سید مرتضی است که می‌توان آن را «رویگرد عقلی - نقلی انتقادی» نامید. این رویکرد که به لحاظ زمانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری به دست شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق) تأسیس شد و تا اواسط قرن هفتم هجری، رویکرد مهمی در مکتب شیعه به حساب می‌آمد، از اواسط قرن هفتم، جای خود را به کلام عقلی - فلسفی متأثر از مکتب مشاء داد و در واقع، در آن شکل از گفتمان کلامی شیعه، منحل شد. این گونه از کلام شیعی، هم‌زمان همان‌گونه که مانند رویکرد نخست، به احادیث و روایات نظر دارد، همچون رویکرد دوم، از استدلال‌های عقلی نیز بهره می‌برد و در عین حال، به هر دورویکرد پیشین، نگاه انتقادی و تصحیحی دارد. در حقیقت می‌توان آن را رویکردی دانست که می‌کوشید از یک‌سو، از ظاهرگرایی موجود در نگرش نخست دوری گزیند و از سوی دیگر، در صدد پیرایش اندیشه شیعی از رسوبات معتزلی موجود در نگرش دوم بود. از این رو به هر دو گروه، نگاهی انتقادی دارد و می‌کوشد که راه میانه آن دورا بییماید.

بارزترین شخصیت و اثر موجود در این نگرش، شیخ مفید و تصحیح الاعتقاد بصواب الانتقاد اوست. شیخ مفید علاوه بر این اثر ارزشمند، آثار بسیار دیگری نیز در دانش کلام نگاشته است که از آن جمله می‌توان به الجمل والنصرة لسید العتره، عدم سهو النبی، النکت الاعتقادیة، الافصاح فی الامامة، اقسام المولی فی اللسان، ایمان ابی طالب، رساله حول حدیث نحن معاشر الانبیاء و تفضیل امیرالمؤمنین^(ع)،



اشاره کرد. دیگر شخصیت‌های بارز این رویکرد، عبارتند از دانشمندانی چون سید مرتضی (صاحب آثاری چون الشافی فی الامامة، الذخيرة فی علم الکلام، تنزیه الانبیاء و الملخص فی اصول الدین، شیخ طوسی صاحب آثاری چون تمهید الاصول فی علم الکلام، الاقتصاد فی ما يتعلق بالاعتقاد، تلخیص الشافی و الغیبة، ابوصلاح حلبی صاحب آثاری چون کتاب شرح الذخیره للمرتضی، شُبّه الملاحده و تقریب المعارف) و سدیدالدین حمصی رازی صاحب کتاب المنقذ من التقليد والمرشد الی التوحید المسمی بالتعلیق العراقی.

۵. کلام عقلی - فلسفی متأثر از حکمت مشاء

چهارمین رویکرد کلامی در دوره موردنظر، کلام عقلی - فلسفی متأثر از فلسفه مشاء است که با خواجه نصیرالدین طوسی آغاز شد و تا امروز، در کنار برخی دیگر از گونه‌های کلامی در شیعه، همچنان حضور دارد. در این رویکرد، مباحث کلامی، به‌ویژه در حوزه خداشناسی و جهان‌شناسی و آخرت‌شناسی، با استفاده از اصول فلسفی و استدلال‌ها و نگرش‌های فلسفه مشاء، به‌ویژه بر اساس برهان وجوب و امکان، توضیح داده می‌شود. این گونه از کلام، در مذاهب دیگر، از جمله در اشاعره، جایگاه ویژه‌ای دارد و دانشمندانی چون ابوحامد غزالی و فخرالدین رازی به آن وابسته‌اند. در میان دانشمندان شیعه، مؤسس این گونه از کلام، خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم در حوزه علمی حله است.

این رویکرد، در دوره اخیر، از زمان تأسیس آن در قرن هفتم هجری به این سو، در حقیقت شکل اصلی کلام شیعه را به خود اختصاص داده و با محوریت تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی و نیز مشهورترین شرح آن، یعنی کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد علامه حلی، سیر کرده و این گرایش با این دو اثر و نیز آثاری که مربوط به این دو شخصیت است یا حول محول این دو اثر شکل گرفته‌اند، اساساً در حوزه‌های علمیه شیعه، نماینده رسمی دانش کلام بوده است به‌گونه‌ای که محور درس کلام در حوزه علمیه در مرحله ابتدایی شرح باب حادی عشر فاضل مقداد و سپس کشف المراد بوده و هرگاه که واژه کلام به‌طور مطلق به کار رود، همین گرایش



از آن، مفهوم می‌شود. بر این اساس، این گرایش کلامی، در همه مراکز علمی شیعه محوریت داشته و به‌ویژه در سه حوزه علمی اصلی شیعه، یعنی نجف، اصفهان و قم، این گرایش کلامی از رونق چشمگیری برخوردار بوده و آثار بسیاری در زمینه مسائل کلامی با این رویکرد، به‌ویژه در این سه حوزه، تولید شده است. بخش عمده‌ای از این آثار شرح و حاشیه و شرح بر شرح و حاشیه بر حاشیه تجرید و شرح مشهور آن کشف المراد است و بخش عمده دیگری از این آثار، هرچند که مستقیم به آن دو اثر مربوط نیست، با محوریت آن دو کتاب تألیف شده و بر این اساس، این گرایش کلامی، از اهمیتی اساسی برخوردار است. البته باید توجه داشت که این گرایش کلامی، مختص این سه حوزه علمی نبوده و در همه حوزات شیعه از جمله در حوزه علمی شیراز و نیز حوزه علمی لکنه طرفداران بسیاری داشته است، چنانکه محض محمود بن محمد نیریزی در حوزه علمی شیراز با آثاری چون شرح اثبات الواجب القديم، اثبات الواجب الجديد و شرح تجرید، از نمایندگان برجسته آن است؛ اما در آن سه حوزه، این دانش اهمیتی بسیار داشته و در حقیقت، مرکزیت این دانش کلامی به حساب می‌آمده‌اند و از این رو، در این مجال، محض نمونه، چند دانشمند و مهم‌ترین آثار کلامی‌شان اشاره می‌کنیم:

الف. در حوزه علمی حله، دانشمندان زیر که از مهم‌ترین دانشمندان طرفدار این رویکرد و گونه کلامی بوده‌اند، از شهرت و اهمیت فوق‌العاده برخوردارند:

۱. خواجه‌نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی با آثاری چون رسالة الفرقة الناجية، رسالة فی حصر الحق بمقالة الامامية، قواعد العقائد، تلخیص المحصل مشهور به نقد المحصل و تجرید الاعتقاد؛

۲. علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی با آثاری چون نظم البراهین فی اصول الدین، الابحاث المفیده فی تحصیل العقیده، نهاية المرام فی علم الکلام، مناهج الیقین فی اصول الدین، نهج المسترشدين فی اصول الدین، مقصد الواصلین فی معرفة اصول الدین، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، نهج الحق وکشف الصدق، مناهج الکرامة فی اثبات الامامة و الباب الحادی عشر فی اصول الدین؛

۳. ابن میثم بحرانی با آثاری چون قواعد المرام فی علم الکلام (یا القواعد الالهية فی الکلام والحکمة) و النجاة فی القيامة فی امر الامامة؛

۴. فاضل مقداد سیوری با آثاری چون اللوامع الالهية فی المباحث الکلامية، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين (شرح بر نهج المسترشدين علامه حلی)، مُهَج السداد فی شرح واجب الاعتقاد (از علامه حلی) و النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر.

ب. در حوزه علمی اصفهان دانشمندان بسیاری پیرو این گرایش کلامی بوده‌اند که برخی از مشهورترین آنان و عناوین آثار کلامی متعلق به این گرایش از آنان را ذکر می‌کنیم:

۱. میرمحمدباقر داماد با آثار بسیاری از جمله تقویم الایمان، نبراس الضیاء فی تحقیق معنی البداء، رساله فی خلق الافعال، الایماضات و التشریفات فی حدوث العالم و رساله فی علم الواجب؛

۲. ملاعبدالرزاق فیاض لاهیجی، با آثاری چون گوهر مراد، شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، سرمایه ایمان؛

۳. ملاشمسای گیلانی با آثار کلامی بسیار از جمله اثبات الواجب، اثبات وحدة الواجب، حدوث العالم، الرسالة البرهانية النورية فی علم الله و مسالك الیقین.

ج. در حوزه علمی نجف در دوره‌های دوم و سوم و نیز در حوزه علمی قم اخیر نیز این جریان کلامی رونقی بسیاری داشته و دانشمندان بسیاری ظهور کرده و آثار بسیاری تولید کرده‌اند که در اینجا محض نمونه چند تن از دانشمندان پیرو این مکتب و آثار کلامی شان را ذکر می‌کنیم:

۱. شیخ ابراهیم قطیفی و کتاب‌های کلامی چون شرح اسماء الله الحسنی و الفرقة الناجية؛

۲. مقدس اردبیلی با آثار کلامی چون حاشیه بر شرح تجرید و رساله اثبات الواجب؛

۳. شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با آثاری چون بُغیة الطالب فی معرفة المفوض و الواجب و منهج الرشاد لمن اراد السداد.



۶. کلام عقلی - عرفانی

پنجمین رویکرد در کلام شیعه، کلام عقلی - عرفانی است که به نظر می‌رسد از اوایل قرن هشتم آغاز شده و مبانی عرفانی و صوفیانه را با آموزه‌ها و اعتقادات شیعی پیوند داده است و می‌کوشد با بهره‌گیری از نظام اندیشه عرفانی و نیز آموزه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم رایج در عرفان، به تبیین اندیشه‌های کلامی به‌ویژه در حوزه‌های خداشناسی، نبوت و امامت پردازد.

در رأس این جریان، دانشمندانی چون سیدحیدر بن علی علوی حسینی آملی (متوفای پس از ۷۸۲ ق) صاحب کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار، حافظ رجب برسی صاحب کتاب مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین^(ع)، ابن فهد حلی صاحب آثاری چون الدر الفرید فی التوحید و الدر النضید و ابن ابی جمهور احسائی (متوفای ۹۰۱ ق) صاحب آثاری چون کتاب مسالک الافهام فی علم الکلام و المجلی لمرآة المنجی قرار داشته‌اند. این گرایش از قرن یازدهم به این سو، یعنی پس از ظهور و گسترش مکتب فلسفی صدرایی، قرابت‌های بسیاری با اندیشه کلام عقلی - فلسفی متأثر از فلسفه صدرایی یافته و البته در بسیاری از مواقع، از آموزه‌های شبه عرفانی یا نزدیک به عرفان مکتب صدرایی نیز بهره می‌برد، اما تبیین‌های ژرف و احیاناً ذوقی از مباحث کلامی به دست می‌دهد. طرفداران این گرایش از قرن یازدهم به این سو نیز ادامه یافته و در حوزه‌های مختلف شیعی، طرفداران و نمایندگان بسیاری دارد. ملارجبعلی تبریزی با آثاری چون رساله اثبات واجب و المعارف الالهیه، آقامحمد بیدآبادی با آثاری چون التوحید علی نهج التجرید یا المبدأ و المعاد، محمدعلی شاه‌آبادی در رشحات البحار و مرحوم امام خمینی در برخی از آثار، از جمله در تفسیر سوره حمد را می‌توان از مهم‌ترین دانشمندان دارای مشرب کلام عرفانی دانست.

۷. کلام عقلی - فلسفی متأثر از حکمت متعالیه

شکل دیگری از کلام عقلی که از قرن یازدهم هجری شکل گرفته و ظهور یافته است، کلام عقلی - فلسفی متأثر از فلسفه صدرایی و حکمت متعالیه است. اساساً یکی از



مهم‌ترین رویدادها در عرصه علمی در تاریخ شیعه، ظهور مکتب فلسفی صدرایی و حکمت متعالیه بود که در قرن یازدهم هجری در مکتب اصفهان شکل گرفت. این نظام فلسفی، تأثیرات بسیاری در دیگر علوم، از جمله در اصول فقه، تفسیر و به‌ویژه کلام داشته و گرایش مهمی در حوزه‌های اصفهان، نجف و قم در عرصه کلام پدید آمده است که رویکرد و گرایش آن عقلی و فلسفی، اما با محوریت فلسفه صدرایی به‌جای فلسفه مشائی است. به‌طور طبیعی، این گرایش، تفاوت‌های مهمی با گرایش کلام عقلی - فلسفی متأثر از فلسفه مشاء داشته و مدعی است که در بسیاری از مباحث کلامی، در حوزه‌های خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، می‌تواند بهتر از کلام عقلی - فلسفی مشائی، پاسخگو باشد. نگاه این رویکرد در مباحث خداشناسی، همچون مباحث صفات خدا، به‌ویژه علم الهی، مباحث جهان‌شناسی همچون حدوث و قدم عالم، رابطه جهان مخلوقات با مبدأ اعلی و نیز در مباحث انسان‌شناسی مانند وحی، نبوت و جبر و اختیار، از نگاه کلام عقلی - فلسفی متأثر از فلسفه مشاء متفاوت است و مباحث خود را بر اساس اصول فلسفی مهم صدرایی مانند اصالت وجود، تشکیک در وجود، حرکت جوهری و... دنبال می‌کند.

اگر برای ملاصدرا شیرازی افزون بر جایگاه فلسفی، جایگاه کلامی نیز قائل شویم و او را یک فیلسوف متکلم بدانیم - که به نظر می‌رسد چنین باشد - آنگاه نخستین متکلم مربوط به این گرایش، خود او خواهد بود. افزون بر اینکه او مباحث مهم کلامی و اعتقادی را به شیوه فلسفی در آثار مهم فلسفی خود همچون *الحکمة المعتالیة فی الاسفار الاربعة والشواهد الربوبیة* مورد بحث قرار داده است، آثار محض کلامی نیز دارد که در آن‌ها بر اساس اندیشه فلسفی خود، به مباحث کلامی و اعتقادی پرداخته است. *رسالة الحشر* (در باب معاد)، *الحکمة العرشیة* (در خداشناسی و معاد)، *خلق الاعمال: جبر و تفویض، القدر و افعال العباد، القضاء و القدر فی افعال البشر، المبدأ والمعاد و سه رساله المعاد الجسمانی، زاد السالک و زاد المسافر* از این دست آثار او است.

پس از ملاصدرا، هر چند که در زمان خود او و نیز در طبقه شاگردان او، این گرایش



چندان مورد توجه قرار نگرفت، اما حدود دو یا سه نسل پس از او، در همه حوزه‌های علمی شیعه، به‌ویژه در قرن حاضر و در حوزه علمی قم، دانشمندان بسیاری، از این گرایش کلامی عقلی - فلسفی پیروی کرده و همان راه ملاصدرا را ادامه داده‌اند. در حوزه نجف دانشمندانی چون ملامهدی نراقی با آثاری چون انیس الموحدین، جامع الافکار و ناقد الانظار فی اثبات واجب تعالی و الکلمات الوجیزة فی الحکمة الالهية؛ شیخ احمد احسائی با آثاری چون شرح الزيارة الجامعة الكبيرة، اصول العقائد و العصمة و الرجعة؛ علامه محمدرضا مظفر با آثار بسیار از جمله عقائد الامامیه و شهیدسید محمدباقر صدر با آثار بسیار از جمله بحوث حول الولاية از اصحاب این مکتب بوده‌اند؛ در حوزه علمی قم، علامه سید محمد حسین طباطبایی، علامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، شهید مرتضی مطهری، علامه محمد تقی مصباح یزدی، علامه محمد تقی جعفری و علامه عبدالله جوادی آملی، در مباحث و آثار کلامی شان نیز از اصحاب این گرایش کلامی - عقلی به حساب می‌آیند.

۸. کلام سلبی - تنزیهی

گونه‌ای دیگر از کلام شیعی که در دوران اخیر، از قرن یازدهم هجری به این سو ظهور یافته است، کلام سلبی - تنزیهی است. این گرایش که مباحثشان عمدتاً به حوزه خداشناسی، به‌ویژه صفات الهی مربوط است، بر این باور است که ما به شناخت هیچ صفتی از صفات خداوند راه نداریم و نمی‌توانیم درباره خدا چیزی بگوییم؛ زیرا خداوند به هیچ وجه شبیه هیچ مخلوقی نیست، در حالی که ما فقط با مخلوقات سروکار داریم و خالق را نیز با صفات برگرفته از مخلوقات وصف می‌کنیم. بر این اساس، الهیات سلبی به منظور پرهیز جدی از خطر تشبیه خدا به مخلوقات، منکر هر نسبتی برای ربوبیت می‌شود و جز با واژگان نفی و سلب درباره خداوند سخن نمی‌گوید. این رویکرد قائل به خدای فراشخصی - نه غیرشخصی - و وصف ناپذیر و مطلقاً نامشخص و نامعین است. از این رو، آنان به لحاظ هستی‌شناختی بر نفی هرگونه شباهتی میان خدا و مخلوقات به‌ویژه انسان، تأکید دارند و بر همین اساس معتقدند که به لحاظ معرفت‌شناختی امکان شناخت خدا وجود ندارد و به لحاظ

معناشناختی و زبان‌شناختی نیز نمی‌توان واژگانی را که با معانی خاص ناظر به جهان مخلوقات، وضع شده و ناظر به این جهانند، درباره خدا به کار برد. گرایش سلبی میان دانشمندان شیعه از اوایل دوران غیبت وجود داشته، اما نخستین دانشمندی که به‌طور صریح به این گرایش پرداخته و از آن دفاع کرده است، قاضی سعید قمی، در حوزه علمی اصفهان است که هرچند گفته شده است که او این گرایش را از استاد خود ملا رجبعلی تبریزی گرفته است، اما خود او در عمده آثار خود، به‌ویژه کلید بهشت و شرح توحید صدوق، از الهیات سلبی دفاع کرده و بر این باور است که تمام اوصاف خدا، معنای سلبی دارند و نمی‌توان خدای متعال را به هیچ امری از امور متصف کرد (قاضی سعید قمی، کلید بهشت، ص ۶۶). این گرایش هرچند پس از قاضی سعید، طرفداران برجسته‌ای چون خود قاضی نیافت، اما اندیشه تفسیر سلبی از صفات در میان بسیاری از متفکران امامیه نفوذ کرد. (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: رضا برنجکار و سیدمسیح شاه‌چراغ، «الهیات سلبی و ایجابی در مدرسه فکری اصفهانی»، (برنجکار و شاه‌چراغی، ۱۳۹۶، ۱۷: ۴۷-۶۷)

۹. کلام مقارن و بین‌الادیانی

گرایش کلامی دیگری که از قرن دهم هجری به این سو، در صحنه اندیشه شیعه حضور داشته و به‌ویژه در قرن اخیر، رشد چشم‌گیری یافته است، کلام مقارن و کلام بین‌الادیانی است که می‌توان آن را کلام انتقادی از دیگر ادیان نیز نام‌گذاری کرد. با صرف‌نظر از آثاری فراوانی که در حدود سه دهه اخیر، در حوزه‌های علمی شیعی، به‌ویژه در حوزه علمی قم، تولید شده و هنوز ابعاد آن به لحاظ تاریخی، کاملاً نمایان نیست، در چند قرن اخیر، متفکران و متکلمان شیعه به ادیان دیگر، به‌ویژه یهودیت و مسیحیت توجه فراوانی مبذول داشته و کوشیده‌اند به نقد افکار مسیحیت و یهودیت و نیز تبیین و اثبات اندیشه‌های اسلامی در برابر اندیشه‌های مسیحی و یهودی و احیاناً به مقایسه میان آن‌ها پردازد. البته پیش‌ازاین دوران نیز برخی از عالمان امامیه در ضمن آثار کلامی، حدیثی و یا تفسیری خود، احیاناً به نقد دیدگاه مسیحیت یا



یهودیت در برخی مواقع می‌پرداخته‌اند، اما اختصاص آثار مستقل و صرف زمان بسیار برای مطالعه در ادیان و سپس نگارش و نقد آن یا مقایسه آن با اندیشه‌های اسلامی، در مذهب شیعه امامیه کمتر سابقه داشته و ظاهراً به مدرسه اصفهان در عصر صفویه بازمی‌گردد.

به نظر می‌رسد آغازگر این راه یا یکی از برجسته‌ترین آغازگران آن، سیداحمد علوی عاملی (متوفای حدود ۱۰۶۰ ق) با آثاری چون صواعق الرحمان در نقد یهودیت، اللوامع الالهية فی رد الشبهات النصرانية، لطایف غیبیه و مصقل صفا در تجلیل آئینه حق‌نما است و افراد دیگری چون علی‌قلی جدیدالاسلام نویسنده سیف المؤمنین، محمدعلی حزین لاهیجی با کتاب‌های بشارة النبوة و الرد علی النصاری فی القول بالاقانیم و محمدصادق فخرالاسلام در آثاری چون انیس الاعلام فی نصره الاسلام، بیان الحق و صدق المطلق و خلاصة الکلام فی افتخار الاسلام از جمله دانشمندان صاحب این گرایشند. با این حال، بی‌تردید بزرگترین دانشمند شیعه که به این گرایش تعلق دارد، علامه محمدجواد بلاغی نجفی است که در آثار بسیاری از جمله الهدی الی دین المصطفی، الرحلة المدرسية او المدرسة السیارة، انوار الهدایة، نصایح الهدی والدين الی من کان مسلماً و صار بایاً، المصایح در نقد قادیانیه، التوحید و التلیث و اعاجیب الاکاذیب، با این گرایش، به دفاع از اندیشه‌های اسلامی و نقد افکار دیگر ادیان و مذاهب انحرافی پرداخته است. چنانکه دیگر دانشمند برجسته متعلق به این گرایش علامه محمدحسین کاشف الغطاء است که آثار بسیاری همچون اصل الشیعة و اصولها، الآیات الیّنات (در نقد وهابیت و باییت)، التوضیح فی بیان ما هو الانجیل و من هو المسیح و الدین و الاسلام دارد.

نتیجه‌گیری

علم کلام دانشی است که در بستر فرهنگ اسلامی شکل گرفت و مسلمانان آن را ایجاد کردند تا با استفاده از روش‌های گوناگون، به استنباط، تبیین و دفاع از عقاید دینی خویش پردازد. دانش کلام که در قرآن کریم و سخنان پیامبر خاتم و ائمه



اطهار ریشه دارد، در طول تاریخ حیات فکری اسلامی تحولات بسیاری به خود دیده و دانشمندان و آثار بسیاری در آن ظهور یافته است. دانشمندان مذاهب گوناگون، با شیوه‌ها و رویکردهای مختلف و احیاناً متنافی، در دانش کلام ورود کرده و به تبیین اندیشه‌های دینی و دفاع از آن‌ها در برابر هجوم و شبهات دیگران، پرداخته‌اند. دانش کلام در مذهب شیعه، جایگاهی بس والا دارد و اساس مذهب شیعه بر بنیان‌ها ژرف و استوار کلامی استوار است. دانشمندان شیعه در طول تاریخ، به گونه‌ها، شکل‌ها، روش‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای گوناگون کلامی اهتمام داشته‌اند که در این پژوهش، هشت گونه و رویکرد کلامی در طول تاریخ در شیعه شناسایی شده که عبارتند از: کلامی نقلی - حدیثی، کلام عقلی - تأویلی متأثر از معتزله، کلام عقلی - نقلی انتقادی، کلام عقلی - فلسفی متأثر از حکمت مشاء، کلام عقلی - عرفانی، کلام عقلی فلسفی متأثر از حکمت متعالیه، کلام سلبی - تنزیهی و کلام مقارن و بین‌الادیانی. نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت، این است که بسیاری از متکلمان در مذاهب گوناگون، به‌ویژه متکلمان شیعه، تنها از یک گونه کلامی بهره نبرده، بلکه بسیاری از آنان، از چندین گونه و رویکرد کلامی استفاده کرده‌اند، هرچند که ممکن است که یکی از این هشت گونه از گونه‌های کلامی، بر آثار و آرای یک دانشمند غالب بوده باشد و همین استفاده از گونه‌ها و رویکردهای متفاوت، باعث پویایی دانش کلام در میان دانشمندان شیعه شده و احیاناً ترکیب دو یا چندگونه یا رویکرد کلامی، به پیدایش گونه جدیدی منجر شده است. در هر صورت، آنچه اهمیت دارد این است که دانش کلام در میان دانشمندان شیعه، دانشی پویا، ثمربخش، اثرگذار و همواره زنده بوده و همین امر باعث شده است که بسته به نیازهای هر زمان و با استفاده از رشد و تحول علم در جهان اسلام و جهان اطراف، دانشمندان شیعه شکل‌ها، گرایش‌ها و رویکردهای متفاوتی را به کار بسته یا ایجاد کرده‌اند.

فهرست منابع

افزون بر آثار و منابعی که در متن این نوشتار، از آن‌ها در ذیل هریک از گونه‌های هشت‌گانه کلامی، نام برده شد، از آثار ذیل نیز استفاده شده است:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. برنجکار، رضا و شاه‌چراغ، سیدمسیح، (۱۳۹۶)، «الهیات سلبی و ایجابی در مدرسه فکری اصفهانی»، تحقیقات کلامی، شماره ۱۷، تابستان.
۲. حیدرپور، احمد، (۱۳۸۵)، «بررسی تعاریف علم کلام»، معارف عقلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۳، پاییز.
۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۷۲)، الهیات در نهج البلاغه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۳۵ق)، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقه، چ چهارم.
۵. قمی، قاضی سعید، (۱۳۶۲)، کلید بهشت، (به اهتمام محمد مشکوة)، تهران: انتشارات الزهراء.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، الکافی، (به اهتمام علی‌اکبر غفاری)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، آشنایی با علوم اسلامی، تهران: نشر صدرا.
۸. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۳۶ق)، رجال النجاشی، تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، یازدهم.



